
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

باب هشتاد و سیم در علاج قراقوش اسب
باب هشتاد و چهارم در علاج کرم پایال و کاجل
باب هشتاد و پنجم در علاج اسبی که فرو شده
باب هشتاد و ششم در بیان دعای اسب
باب هشتاد و هفتم در بیان اسبی که بگریزد و خواهند که او را بگیرند
باب هشتاد و هشتم جهت سرفه اسب
باب هشتاد و نهم ایضا جهت نوع دیگر است
باب نودم در علاج شقاق اسب
باب نود و یکم ایضا در شقاق است
باب نود و دوم در معالجه برص است
باب نود و سیم در علاج سفیدی چشم اسب

نود و

باب سیم در علاج اسبی که بچه افتاده باشد
باب سی و یکم در علاج سفیدی چشم اسب
باب سی و دوم در علاج ریش شدن بول اسب
باب سی و سیم در بیان سیاهه لتنه و زرد شدن عرق
باب سی و چهارم در علاج سقاو اسب که از سر درد بریزد
باب در علاج اسبی که بچه افتاده باشد
باب سی و هفتم در علاج اسبی که سرفه کند
باب سی و هشتم در علاج شقاق که آب از وی برآید
باب سی و نهم در علاج اسبی که منقوشه باشد
باب چهلم در علاج اسبی که پوستش موی
باب چهل و یکم پوست عضو اسب ساییده
باب چهل و دوم در بیان طریقه روغن گرفتن

ملس

بـ

برص البهق

ضماد دارز برای

۶ برص اسب

چهار پنج انگشت بدماغ اسب دوانید

پف کرد بسیار نافع بود ضماد از برای برص اسب

فاره دو عدد قلیاب سرکه کهنه سال خورده

بقدر احتیاج فاره را در قلیاب کوفته کرده

از قرار واقع حل نماید بعد ازان در سرکه انداخته

تا پنج یوم در کناری بگذارد بعد ازان موضع

برص را با سنگ پای حمام که اندکی درشت

بوده باشد با آب گرم بمالند تا بخون افتد

بعد ازان خشک نموده دوا را ضماد کنند

تا پنج روز بعد از آن هر روز با آب تخم ترب
و تر تیزک بشویند و با روغن تخم مرغ
چرب نمایند که بعون الله برطرف گردد

کهنه ورم دست پای اسب

هرگاه اسبی را بند گاه دستش یا پایش
ورم داشته باشد انجیر را با سرکه سال
خورده خیسانیده بر آن ورم بندند نیکو گردد
نوع دیگر دنبه را کوبیده بر ورم بند
گاه بندند نیکو گردد صورت مرهم سینه اسب

۸
مرهم کهنه سینه گیر اسب

زرده چوبه قدری | موچوبه قدری | سیاه دانه قدری | صبر قدری

صابون قدری | زره سبز قدری | حنا قدری | زرده تخم مرغ چند عدد
خورده چوب گز قدری | پیه گاو قدری | روغن دنبه قدری | پیه بز قدری
پیاز قدری | مغز گردو قدری | پشم موبه حلوا قدری | کاغذ کبود قدری
خرنوب قدری | صبر سیاه قدری | جوز بویا صد عدد | گل شفتر قدری
برگ سعدیه قدری | موم قدری | نمک قدری | صبر لنجان مصری قدری
چوب رشته کرده قدری | نفت سفید قدری | نفت سیاه قدری
اردباقلا قدری | پشکل گوسفند قدری | زاج سفید قدری
روناس کوفته قدری | بول اطفال پسر سه مثقال | قاسنی قدری
زنجبیل قدری | صورت مرهم سینه اسب نوع دیگر

۴

زرده چوبه — هوچوبه — سیاه دانه — سیر

صابون — زیره سبز — حنا — زرده تخم مرغ هشت عدد

خورده چوب گز هشت مثقال — مغز گردو — ابریشم سوخته حلوا — کاغذ کبود

خرنوب [illegible] بوده باشد — صبر سیاه — جوز بویا

گل شعشع بکر — روغن دنبه صد و پنجاه درم — پیه گاو

پیه بز — برگ مویه — پیاز — موم زرد و سفید

نمک طعام — [illegible] — جو برشته کرده

نفت سیاه و سفید — ارد باقلا — پشکل کوسفند

زاج سفید — روناس — بول اطفال نابالغ باشد

هرگاه بندگاه دست اسبی یا پایش ورم کند ۱۰

انجیر خشک را در سرکه سال اندازند که از قرار

واقع ممزوج گردد بعد از آن بر ورم که شده طلا

نماید نوع دیگر برگ کوفته مویه را با دنبه کوسفند ۱۱

نرم کرده با زرده چوبه و هوچوبه بر ورم بندگاه

دست یا پا طلا نمایند هرگاه شکم اسبی صدا ۱۲

کند قزقون را کوفته با تمام احشا جوش

داده آب آنرا کوفته بگلوی اسب بریزند معالجه

که صدا بر طرف میشود معالجه اسب سینه گیر ۱۳

صدا شکم اسب

بجهه اسبی که

معالجه اسب سینه گیر

سرکه سال بوزرخ تریز اب خالص بدستور

یکمن سیر

نمک نیمن همکی را داخل بهم کرده ممزوج ودر

میان دیکی نموده بجوشانند بحدی که بقدر یک کاسه

شود بعد ازان از دیک کرفته بر سینه و دستهای اسب

با کوهان و حوالی کردن از قرار واقع بمالند و اسب

سوار شده بدوانند که عرق کند بعد ازان زود

نشوند و عرق اسب بکردانیدن هموار خشک کنند

بسیار مفید است و این عمل را دو مرتبه باید کرد

۱۴ که فایده زیادی دارد و مجربست معالجه شقاق

معالجه شقاق مجربست

اسب زاج سفید را با آتش بسوزانند و سوخته

انرا صلایه کرده داخل کره بی نمک نمایند

بعد ازان کرفته چند مرتبه بر شقاق بمالند که برطرف

بجهت خرقه اسب

شود ۱۵ هرگاه اسبی را خرقه زیادی باشد لته حیض

زنان که آلوده بحیض باشد در میان سطل اب شسته

بخور اسب دهند خرقه سود دارد و برطرف میشود

۱۶ بجهت موی روئیدن اسب

مجربست هرگاه اسبی را عضوش سائیده شده باشد

و موی آن رفته باشد که بمالند دو نوبت موی بکر

خود بر آورد مجرب واز موده است

جهت مادیانی که نخواهد کره را صلاح بکند

17 هرگاه اسب مادیانی که ابستن باشد و خواهد
که کره ضایع کند باید که ریسمانی
بحلق او انداخت و او را خفه باید
کرد که ضایع نکند مجربست هرگاه

18 جهت مادیانی که کره را داشته باشد شیر ندهد

اسب مادیانی زائیده باکره داشته
باشد و او را شیر ندهد و هر نوبت که
کره اراده شیر خوردن کند مادیان
لکد زدن و نگذارد باید که مادیان
را بطریقی که گفتیم خفه کرد و بعد از آن

ترک ما نخست نماید و کره را داده و مجربست

جهت سقاو شده باشد

19 دیگر دوا علاج اسبی که سقاو شده باشد زعفران ۳ مثقال
بو شته باید نمود بجدی که سیاه شود
و صندل سائیده به نیچه بد ماغ اسب نیم مثقال
بوف نماید که نیک گردد ایضا جهت شقاق

20 جهت شقاق

اسب روناس و تخم مرغ با یکدیگر کرده
بر شقاق مالند نافع بود و مجربست

21 جهت سراجه

جهت اسب سراجه دار باید که لاک
پشت را در میان دیگ انداخت و

بسیار جوشانید که از محل گرد دو آب

ابر ابکلوی اسب مذکور بریزند که جهت

جهت قزل قورد اسب

را برطرف نماید و بسیار مجرب است

۲۰۲ جهت اسب قزل قورد چهار انگشت

از بیخ دنب اسب اندازه کرده همان

موضع را از کارد کند به تُبرند و نمک

را بران موضع پر کرده قایم ببندند که

خوب شود مجرب است هر گاه اسبی را

۲۰۲ جهت خارش اسب

خارش بوده باشد اسب مذکور

را باید موضع خارشش را از قرار واقع

با آب گرم سسو شست بعد از آن که

خشک گردد همان موضع را با پیه گاو

دو سه نوبت چرب نمود بعد از آن

دو سه مرتبه هم سرگین تازه گاو ما

لید که مو برآورده دفع خارش گردد

۲۰۳ جهت سرفه اسب

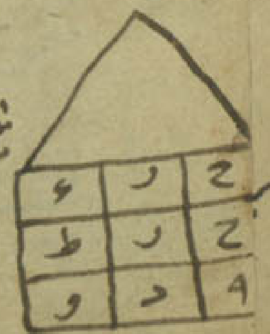
مجرب است هر گاه اسبی سرفه کند قدری

سداب را داخل روغن کنجد کرده بجو

شانند بحدی که تلخی آن برطرف

شود بعد از آن در گلوی اسب دو
سه مرتبه بریزند سرفه را برطرف
نماید و اکثر اوقات برگ خشک
نی را یا برگ تازه نی را هر یک هم
با سب دهند خوب است و جهة سرفه
اش نافع است جهة اسبی که کوفت
داشته باشد این شکل را بروی خاک
بکشند و اسب را سه مرتبه بر سر این
شکل بگردانند نیکو شود و مجرب است شکل این است

٢٠٤ جهة کوفت اسب



بجهة اله اسب

٢٠٥
معالجه اله اسب وزغ را گرفته بسوزانند
سوخته آنرا داخل روغن بره کرده مکرر کنجید
بر الم مالند که انشاء الله و تعالی برطرف است
٢٠٦
و مجرب است باب دیگر هر گاه عضو
اسب مثل الم سفید شده باشد چغندر را
گرفته بکشند بعد از آن بکوزه سفالین
ندیده کنار در و سر او را بگل کرده در
تنور نهند که بسوزد بعد از آن خاکستر آنرا
بردارند و داخل روغن کنجد یا کرچک

بجهة اسهال صفرا

۲۰۷

یا غیران کند و بران موضع مکرر مالد
نیکو گردد   هرگاه اسبی را صفرا
زیادی باشد رطل حیض زنان که آلوده
بحیض باشد در میان سطل آب شسته
بخورد اسب دهد صفرا سود دارد
و برطرف میسازد و مجرب است

۲۰۸

هرگاه یال و کاکل و دم اسب بریزد
برینموجب دوا ساخته بر اسب مالند
شکم ریزه آهن برابر مورد روغن
شکافته   شیر نخت   ده درم   ده درم   ده درم   بیست درم

میباید که تخم خربوزه را بیرون آورده اجزا
در میان خربزه گذاشته و خربوزه را بخمیر
و گل گرفته و در گلخن حمام گذاشته تا خوب
پخته شود بعد از آن خربزه را در میان
خمیر که کشنیم خوب برهم زده بر یال و کاکل اسب
چند نوبت بمالند که بسیار مو را خوب
برساند و مجرب است   دیگر برای اسب

۲۰۹
بجهة قولنج اسب

که قولنج شده باشد و بولش گرفته باشد
بادیان زنجبیل حلتیت همگی را خوب
قدری   قدری   قدری   قدری

جهت اسپی که بچه افتاده باشد ۳۲

سابیده در آب حل کرده در حلق اسب ریزد
که نافع بود　　دیگر اسپی که بچه افتاده
باشد کوکنار دو پهلوی ساید عصاره
رالی منکوی ساکا دوب دم ربکر نافع بود
نمک کابل اینهمه که نوشته شد سه روزه

جهت سفیدی که در چشم اسپ افتاده ۳۳

هر روز دو وقت باید داد صبح و شام که نافع بود
هرگاه بچشم اسب سفیدی افتد پوست لکلک
سلا برکرده بچشم اسب بو بزند سفیدی چیزی
و مجرب است　　دیگر هرگاه بول اسب بند شود

جهت ناشی بند اسپ ۳۴

۳۳

تخم تنبح
تخم خوار پشت را و در زیر اسب دود کنند و بسو را
الیته بول اسب کشاده شود و مجرب است

۳۴ روغن شقاق

سیاهه نسخه روغن شقاق اسب
روغن شیر بخت مصطکی موم کافوری

۳۵

موم زرد سنغر　　دیگر جهت اسب سفاو
که از سردی باشد لقط سفید بکوش اسب
نافع است و مجرب است و هر دفعه کوشی نیم
کافیست　　دیگر هرگاه اسپی بچه افتاده

۳۶

باشد سر دماغ اسب را شکافتن رگ بسیار

سفیدی مثل استخوان ظاهر شود در فتراد زیر
ان دوانیده بیچ دهند و بر کاکل اسب مذکور
قایم بر بندند که خوب شود و مجرب است

بجهة سرفه اسب ٣٣٧

دیگر در علاج اسبی که سرفه کند روغن دنبه
قاسنی سیر سیاه دانه بر شتر همگی را بکوبند
بروغن دنبه جوشانیده و صاف نموده
در دماغ اسب بریزند و دار فلفل را بروغن
زیت جوشانیده گلوی اسب را بآن نرم مالند
باید که اول مرتبه از شقیقه فصد زده و من خون

[illegible]

بگیرند و بعد از آن خون گرفتن این اجزا را بعمل
اورند

بجهة شقاق ٣٣٨

دیگر در علاج شقاق که از آب
اورو بو باقی سرخ کوفته جوز زاغ سفید
وحفظ که پوست بالوده اینها را اصلاح کرده
با عسل امیخته دو مرتبه بر موضع شقاق
مالند تا بهتر شود و در اول مرتبه شقاق را نیکو
بشویند باب گرم که خون از او بیرون اید

بجهة منقوش اسب ٣٣٩

دیگر هر گاه اسبی منقوش باشد بگیرد
مرغی و از پشت آن مرغ پاره کند و در گلوی

اسب ببندند که اگر ماده داشته باشد
جمع شود و تخم شنبلیله را با شکر و خیسانده
ببندند که سر بگشاید و دفع آن بشود   دیگر

بجهة رویانیدن مو
٤٠

هرگاه اسبی روی پوستش هر عضوی که بوده
باشد که مو نیاورد میباید موشی را سوخت
و خاکستر آن را با روغن کنجد یا کرچک بر
آن موضع چند نوبت مالید که مو بر آورد و

٤١

مجربست   دیگر هرگاه عضو اسب
روی پوست سائیده شده باشد روغن
هما دامی

مکس را با خاکستر موش چند نوبت مالند
که مو بر آرد و احتیاط کند که آن روغن با انگشت
و دست نخورد که مو نمی آرد   طریق روغن

٤٢

گرفتن مکس قدری روغن کنجد در میان شیشه
گذارند و چند عدد مکس در آن اندازند و آفتاب

بجهة اله اسب
٤٣

کنانند   دیگر هرگاه اسبی الرجبر سانیده باید
چند قطعه عکه را که در میان عوام مشهور بکشکک است
گرفت و یا تمام احشاء در میان دیگی انداخت
آب در روغن دو جوش بسیار دهد که همگی بجنبد

کردد بمو بتر کر از همه رود بعد از ان اب اوی را

در میان افتابر کرد و چند یوم نوبت

کلوی اسب بخیت کر بعون الله الدبر طرف

شود و دیکر اثری اذان نماند و مجرب

بجهة خارش اسب

۴۴ بندکان تراز مسابق کرده اند   دیکر

هر کاه اسبی خارش بهم رساند موضع خارش را

اولا باید دو سه مرتبه بابیه کاو چرب نمود

کر حسب الواقع چربی از بجید اسب رود بعد

از ان سرکهٔ کاو را مالد بر طرف شود

هر کاه

اسبی خارش بهم رساند موضع خارش را اولا باید

۴۵ دو مرتبه بابیه کاو چرب نمود کر حسب الواقع

چربی از بجید اسب رود بعد از ان سرکهٔ

۴۶ کاو مالید کر بر طرف شود   هر کاه اسبی

لاغر شده باشد شه روز هر روز کوکرد برین

موجب روز اول ۲ روز دوم ۳ روز سیم ۵ باقدری

ارد جو خمیر نموده باسب دهند کر بخورد

۴۷ چاق شود و موی اسب روشن کند   دیکر

در روز جنگ در برابر دشمن اینکلماترا

بر بال اسب بانکشت نقش نماید کرد شمس
شکست یابد و اسب و تیر دشمن بانیکس نرسد

بسم الله الرحمن الرحیم

بجهة قولنج اسب لا تخاف درکا و لا تخشی

۱ج وچون قولنج کند در سم وی نویسند شفا یابد

۲ج هلکله محکله اهلکله اکر آب بیز اسب کرفته
باشد این شکل را بنویسد و بر شکم اسب بندند
قولنج بکشاید سه درسه بکشد صوع د
حمد جوانان چون رنج رسد ه ا ط

۳ج دیکر این شکل را بنویسند و بر پیشانی او بندد

شفا یابد ابجد فیه ه ۱۱ ۱۱ لـ ۱ قـلیم ۱۱ ۳

۱ب فصل در جو کرفتن اسب چون اسب را جو بکیرد
و از آب کرم خوردن باشد علاج انستکه تخم
مرغ چند بشکنند و در کلوی اسب ریزند

۲ب فصل چون اسب را آب دماغش بکیرد
در زمین پاک هفت خط بکشند و بکرد
از خطها این دعا بنویسد و بعد از ان اسب را
هفت بار بکرد از خطها بکرداند باینشکی در
دل نیارد کر سود رساند در حال آب دماغ

از اسب بگشاید بفرمان الله تعالی واین مجربست
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اولم یر الذین کفروا ان السموات کانتا رتقا
ففتقناهما الی اخر الایه برحمتک یا ارحم الراحمین
یا مفتح الابواب بقدرتک وعفوتک وعظمتک
یا کریم هب کل اسب هذا مخلوق من مخلوقاتک
احفظ من شر شوق العین العین وشر کل شر
من الذکر و الانثی بحق کبش جاء الی اسمعیل
وناقه صالح وبراق محمد صلی الله علیه

واله وسلم برحمتک یا ارحم الراحمین
دیگر ورد اینست از حضرت امیر المومنین
علیه السلم کرامید عار اجبرئیل از حضرت رب
العزت جل جلاله از برای دلیل اورد دیگر
از جمیع آفات و امراض دنیا امان یابد دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب یا مقلب
القلوب والابصار توکلت علیک ربی و
افوض امری الیک یا زکی سبحان القادر القاهر

یا مسبب سبب یا مفتح فتح عن کل بلاء
ومرض وبلیة عن فلان الحاضر جمله
یا ارحم الراحمین این طلسم را بنویسد

فصل در لاغر شدن اسب اگر اسب لاغر را
خواهی فربه کنی اگر اسب علف بسیار خورد
و فربه نشود و سینه کهنه و سینه ... و باید
این آب کند قدری ونیل بهم بجوشانند اگر
اسب را بدان حقنه کنند وجزئی از آن
در گلوی اسب بریزند فربه شود

فصل

باب هر گاه اسبی را ورمی بهم رسد خواه
در دست و یا پا جای دیگر که خواهند
آن را بد وابن طرف سازند که دیگر
اثری نماند انید واها را گرفته
با شیر گاو باهم جوشانیده مرهم
کرده بر ورم ببندند دو یوم و دو سه
مرتبه که انشاء الله تعالی برطرف میسازد
وخوب است دوا ها اینست
اکلیل ملک   آب برگ چغندر   حلبه برگ
قدار   قدار   قدار   قدار

شیر گاو تخم تمر هندی کنند کولها

قدری

شرط است که دواهای مساوی باشد

الا شیر واب برگ چغندر که اضافه

بر دواهای دیگر باشد واینده

مساوی باشد خوب است یعنی

اب و برگ چغندر و شیر بد شود

دواها مساوی باشد باب

معالجه قراقوش اسب فلدی ادد

گندم را برداشته بقدر نارنجی

خمیر

خمیر کند بعد از ان خمیر را کلوله نماید

و در زیر اتش خمیر نماید دفن نماید و

که از قرار واقع گرم و پخته گردد و

و بعد از ان گرفته دو حصه کرده گرم

گرم بروی قراقوش نهد همین که اسرد

شود دیگری برابد بستور گرم بگذارد

و دیگر شود که انشاء الله تعالی برطرف

می شود هرگاه عضوی اسب بروی ۵۱

پوست سوده شده باشد که موی نداشته

باشد روغن مكس را با خاكستر موش

چند نوبت بمالد كه مو برارد واحتياط

كند كه ان روغن بانكشت ودست نخورد

كه موي اورد طريقه روغن كرفتن مكس

قدري روغن كنجد در ميان شيشه كذارد

وچندين مكس دران اندازد ودر افتاب كذارد

واين طلسم كمسلمينا يملنخام طونس

ميسونس سارابونس روانوانس

كشفطيطونس قطمير اللهم احفظ هذا الفرس

من جميع

من جميع الافات والعاهات والبليات

من شر جميع خلقك من الجن والانس

والشياطين والتوابع المتمردين والبلاء

والدواب والهوام والحراث وغيره

من شر كلها

ف	و	ط	ع
ر	ط	د	ن
د	و	ع	ط
ط	ع	و	و

٥٩

چون اسب را بولش بكيرد بخواند كه

قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ا

ابراهیم واراد به کیدا فجعلناهم الاخسرین
ونجیناه ولوطا الی الارض التی بارکنا
فیها للعالمین اذا زلزله ولا یلاقی وتش
واین لولو را تیر بسازند و در ریش

ع۴۰ علقنه بمالند به شود صبر قاروره
باحنا و ریوند چینی در گلو اسب زنید

ع۴۱ هرگاه اسب را درد گرفته باشد در
روی زمین بایکشت این طلسم را نوشته
اسب را بر سر بکردانند شفا یابد

ع۴۲ هرگاه اسبی خارش بهم رساند چند نوبت

ط	ط	ح	ح	د
ه	د	ا	ه	

و ا ا د ا

نفط سفید را بتمام اعضای اسب بمالند
و رفع خارش میکند و میکن اسب را
چاق تر بسازد و موی نرم و جفت برارد
و دیگر از خارش چیزی باقی نماند
و تجربه شده است بسیار نافع است

ع۴۳ جهت آگر شدن اسب که به باتجم اسب
کشیدند و با خمیره ارد جو دادن کسب

ع٦٤ طریقه روغن مکس گرفتن انکه چندی
مکس را در میان روغن کنجد کند و با فتاب
کذارند که روغن مکس همینست والسلم

اگر اسپی لاغر بوده باشد ۳ یوم
ع٦٥ هر یوم بر موجب کوکو دهند یوم ۱
یوم ۲ یوم ۳ باقلی ارد جو خمیر
نموده با نمک دهد که بخورد بعد از
چاق می شود و موی اسب را روشن
ع٦٦ میکند اینست چهة شقاق اسب

روناس و تخم مرغ را با یکدیکر کوفته بر شقاق
مالند نافع بود و مجرب است ع٦٧ هرکاه
اسپی را عضوش سائیده باشد و موی
و موی ان رفته باشد که دیگر مو نبارد
ان موضع را با روغن کندم چند مرتبه چرب
نموده که مو برنک خود براید و مجربست
ع٦٨ هرکاه اسپی سقاو شده باشد
یعنی سرما خورده باشد باید که دو سه یوم
نفط سفید را باید بقدر دو سه قطره

بهر گوش اسب ریزند بر شود و

۶۹. نافع است چهه فربه شدن اسب

مایه شتر نقد پنج مثقال دادن با خمیر ارد جو

۷۰. خوب است نوع دیگر جهت فربه

شدن اسب چوب چینی را باب جوشانیده

واب انرا با ارد جو خمیر نموده چند نوبت

بدستور نواله باسب دهند اسب را

چاق کرده باقوت نماید مجرب است

۷۱. هر گاه عضو اسپی ساید

شده باشد کر نبارد دانشمندان گفته اند مو

روغن تخم سرخ مالیدن مجرب است چنانچه

چند نوبت روغن مذکور را باسب بمالند

برنگ خود موی ارد و مجرب است

۷۲. طریقه روغن مونج گرفتن انکه برنج را

باید بر سر پارچه مس گرم کرد که سرخ

شده باشد گذاشته و پارچه مس دیگر را

که انهم نیز گرم باشد بر روی ان گذاشته

فشرده کنند تا روغن بیرون اید والسلام

٠٧٣

هرگاه اسبي موي يال ريخته ودم ريخته
باشد اب برگ درخت توت را
گرفته بسيار بمالند كه بر مو شود مجرب است

٠٧٤

هرگاه كسي خواهد كه موي دست
وپاي اسب را سفيد كند بايد
چند نوبت مغز شتر را بدست وپاي
اسب بمالند كه بقدرت الهي موي
سفيد آرد ومجرب است وبد شود
ماديانرا موي سفيد ارد

٠٧٥

طريقه شستن اسب كه كرم نهد
انكه غوزه سفيد را با قدري روناس
خشك ونمك نرم داخل اب كرده
بجوشانند بعد ازان ها باقما بر جرم
اسب بزنند بعد از لحظه كه اسب بول نمايد
فحل اندازند بعنايت الله بار بگيرد
مجرب است

٠٧٦

نوع ديگر تخم
شنبليله را با اب بجوشانند واب را
داخل دوغاب كرده كرده اسب را

بشوند بعد از ان چند عدد تخم مذکور
را با قدری مایهٔ خرکوش بمیان
کلیهٔ کرز باس کذاشته
کلیه را مثل توب ساخته
بر حم اسب دو سه یوم کذارند
بعد از ان توب را کرفته فحل
اندازند مشروط انکه پیش
توب نهادن قدری پشم خشک
اسب
در کرم دان اکذارند باشد

ومطلق نکیرند و بعد از ان
فحل اندازند که بعون الله تعالی
خطا نکند

معالجهٔ ٧٧.

شقاق اسب قدری کرو دو را کوبیده
داخل عسل نمایند کر انقرا ر
واقع ممزوج یکدکر
شود بعد از ان چند نوبت بر شقاق
اسب بمالند که بعون الله
شقاق برطرف شود

٠٧٨ هرکاه اسبی کرفته باشد
این کلمات را ده مرتبه بر پیشانی
ان بخوانند و دست بر روی ان بمالند
کر کشاده شود و مجرب است
حکک مکت یا غفور یا غفور

٠٧٩ اگر خواهند اسب را با شخصی
کرو بندانند و هیچ اسب باسب او نرسد
در محل سوار شدن بانکشت در میان
دو کوشش بنویسد لا تخاف درکا

ولا تخشی بعد از ان بدواند هیچ اسب
بدو نرسد و در روسری بست و ازموده است
هر که خواند اینست ١٨١٨٢١٨

٠٨٠ ٩٨ هرکاه مخلی در نزد ان
انیکس باشد و خواهند که او را بر
خبر انند برود و این طلسم را بنویسد
و در زیر ان مخفی بکذارند که رفع می شود
و مجرب است

٠٨١ هرکاه
اسبی کرمانی شده باشد زاج سفید را

زاغ سفید را کرفته و چند مثقال
ان را کوبیده نرم کرده و
داخل اب نموده چند مرتبه بکلا
اسب و یزند رفع شده رو بخوبی
٨٢ کند و مجرب است هرکاه
اسپی خوارش داشته باشد
سیاه تخمک را کوبیده داخل
روغن کرچک نموده افتاب
کذارند بعد از ان کرم زهر شود

بر خارش مالند بعد از مالیدن زب
طرف شود بعد از مالیدن ان زابیه
کاو چرب نمایند که نرم ساخته
و روشن کرداند و بی عیب کردد
٨٣ هرکاه اسپی فراموش داشته
باشد قدری ارد کندم را خمیر کرده
کلوله ساخته در زیر حالش
کرم کذارند که
کردد بعد از ان بر داشته

نصف نموده بر سر قرافوش ببندند
همینکه آن سرد شود نصف دیگر را
بدستور گرم به بندند که بعون الله
٠٨٤ بر طرف گردد هر گاه اسبی کو
بالحکم کاکل و کم دم بوده باشد
فلدبج فلفل را کوبیده داخل شیر
گاو نمایند شب بمهتاب
گذارند بعد از آن چند مرتبه
بر یال و دم و کاکل اسب بمالند مجرب است

٠٨٥ هر گاه اسبی گرفته شده باشد
یا آب پیچ شده باشد این شکل را
بر زمین بکشند و سه مرتبه اسب را
بروی او بگذرانند که گشاده شود

٠٨٦ دعای اسب

س	ب	ص	و
ر	و	و	ر

عمج محج الرجا العجل الساعه
حبیته حبیته هم هند هم هند باهند هر گاه
٠٨٧ اسب بلگرند و خواهند که او را
بگیرند او دست ندهد باو ار بلبند

بلند بگویند تا دو مرتبه که اسب
بایستد و ترک رفتن نماید م

٨٨ یا عباد الله اجلو چهة سرد
چه اسب بنویسید ٣ یوم برکوبد
اسب بندند و روز چهارم کشوده
باب روان اندازند ١٣١١٢٢١٨٢٩

١٣١٢٣٦ ٤ ١٣١٨١٣٣٢١٨٩

تاریس تاریس تاساریس ایاک
نعبد و ایاک نستعین

٨٩ نوع دیگر اگر در جانب راست
باشد در گوش چپ او بیاویزند
و اگر در جانب چپ باشد در گوش
راست بندند بعد از آن که زخم
ان خشک شود بگشایند

١١ط١٨١٩ ١ لد ١ ووصد و هد ١١١م ١١١و ١١١م

١١١١ع١١١ل ١١١ م ١١١ ١١١ه ١١١و ١١١ع ١١١ی

٩٠ هرگاه اسپی شقاق شود می‌باید
چند نوبت شقاق را شست بعد از آن

چند نوبت زرده تخم با حنا مالید بلکه
بروی شقاق بست که انچه ریم و چرک آ[ن] زخ[م]
باشد رفع گردد بعد از ان که حسب الخواه
رفع چرک و ماده شده باشد مرهم
ونوره را کوفته و شکم انها را شکافته
و با تمام احشا بر شقاق بست و مرهم [مذ]کور
بروی شقاق گذاشت و بعد از ان
بعد از ان برداشت بدستور چند روز
دیگر را کوفت و شکم پاره و بست رفع مرض شود

فصل

۰41

نوع دیگر هرگاه اسپی شقاق
اولامی باید گذاشت از فراروا
واقع غرور کند بعد از ان با اب گرم
شست و زرده چند تخم مرغ را داخل
حنا کرده و چند نوبت بر شقاق
مالید و بر روی شقاق بست
بعد از ان با اب کله پاچه گوسفند
چند نوبت شست انشا الله
برطرف گردد دیگر شقاق نشود

۹۲ معالجه برص اسب با روغن بسباسه
که برموجه گویند و بسباسه و برموجه
در اصطلاح عوام برصوفه مشهور است

۹۳ علاج سفیدی چشم اسب غوره در [illegible]
سقری را با آب انداخته و غوره مذکور را
از قرار واقع در آب خیس داده چند
نوبت هر صبح بر چشم اسب پف کند
که سفیدی برطرف شود و خوب است

۹۴ معالجه برص اسب روغن بسباسه

که برموجه گویند می‌نماید
در اصطلاح عوام برصوفه گویند
و روغن برصوفه نافع است طریقه
روغن گرفتن مذکور آنکه برصوفه
را گرفته کوفته با تمام احشا بدیگی اندا
خته دو سه مثقال زرنیخ و گوگرد
احمر را داخل دیگ نموده بجوشانند
بحدی که روغن آن بیرون آید بعد از آن
گرفته بر برص اسب مالند که نافع است

۹۵ چهه فربه کردن مایه شتر
بقدر چهار پنج مثقال دو سه
دفعه با خمیر جو دادن خوب است

۹۶ هرگاه شخصی درد کمر
بهم رساند که از دوای آن
عاجز گردد باید بخواند بر دود
دور کمر را بخمیر بگیرد
درمیان خمیر را نفط سفید چند
قطره چکاند و در افتاب

ودر

بخوابد بعون الله مادرزاد گردد
این عمل را دو سه نوبت کند
که سود دهد

۹۷ چهه
فربه نمودن اسب جو چینی را
جوش دادن و آب آنرا با آرد جو
خمیر کردن چند نوبت دادن
خوب است

۹۸ هرگاه شخصی درد
کمر داشته باشد روناس را
با سرکه سال خورده بسیار تندی

داخل نموده در حمام گرم
چند نوبت بمالد بکم و حوالی گرد
که بعون الله نفع زیادی بخشد

٩٩

فصله کسونی را بدستوری که ذکر
شد با سرکه کهنه در حمام بکم بمالد
که نافع بود و همچنین که در باب گر ذکر
شد و قلم گشته مجرب است

در برص

هر گاه آسیبی برص گاشته
باشد علاج باین نحو میتوان کرد

فاره قلیاب سابیده سرکه کهنه سال خورده
فاره را در قلیاب کوفته از قرار دو اصبع ٣ عدد نصف ماجی
داخل شود بعد از آن در سرکه انداخته
تا پنج روز بگذارد بعد از آن موضع را
با سنگ پای درشت با آب گرم بمالند
بحدی که خون افتد و خشک نموده دوا را
بر برص بمالند تا پنج یوم بعد از آن
باب تخم ترب بشویند و حوصله نماید
با روغن بیضه مرغ بعد از آن بگذارند

۱۱:

مجرب است چهه حبس بول این
طلسم را بر ناخن آنکس نویسند
اهله وسهله چهه خام باد

۱۲:

اسب کلبره صبر سیاه اصون
انزوای سرکه را داخل آخر
بخیه اسب نمالند نافع ا

۱۳:

چهه خارش وکیا شب مجرب است
نقطه سیاه بارود حب بلاطی دوغ گاو به کاه
سه ماه درم سماه درم سبع سماه بی‌ها درم
همگی را درهم نموده دو نوبت باشد

ونیل

زنند بعد از آن کل که‌ها نهر
خس کوبند با لند ونشو نند
تا خود بریزد وعلاج هرگاه

۳۳ ۱۴:

اسپی سینه کبر شود یا کرم
جا کرد باشد بگیرد
قدری زیره وقدری نمک
داخل تخم مرغ نماید وقدری بر
وبعد از آن بر سینه ودستها وشانه
اسب مالد که بر طرف گردد ومجربست

بشرط که سه چهار مرتبه
این عمل کند والسلام
عمل ۱۵
هرگاه اسپی شقاق شود
محل باید با کرم از قرار واقع نشست
بعد از ان موم وزوق گرفت و شکم اورا
شکافت و با تمام احتیا
که دارد بر روی شقاق بعد
دو سه یوم گذاشت و بعد
از ان گرفت بدستور چند وزق

دیگر بست انشاء الله تعالی
رفع ماده ان کرده خوب
گردد و دیگر اثری نماند انشاء الله
شرط است که پیش از وزق
بستن چند نوبت زرده تخم مرغ با حنا
به بندند که انچه جراحت داشته
باشد ردارد و پاک کند نوع
عمل ۱۶
دیگر هرگاه اسپی شقاق
شقاق شود اولا باید لدا است از قرار

واقع غرور کند بعد از ان با
کرم شست بعد ان زرده
چند تخم مرغ را داخل حنا کرده چند
نوبت بر شقاق مالید بعد از
ان بابکله پاچه ... شقاق
شقاق نشت انشاء الله تعالی
شقاق بر طرف شود ... شقا
نشود

۱۷ از

شرح دوای سینه

اسبی که سینه گیر و بغل گیر شده باشد

ازار

از
ارسطوی حکیم ذکر شده که بعد از
مالیدن دوا شرط است که مرد کهای
میان دست اسب را که در فرسنامه
نشان چشم اسب داده اند باته
جوال دوزی داغ نماید بحدی که
بترکد و سوراخ شود که بسیار
نفع دارد دیکر شرط است دوا را
دو سه نوبت بسینه اسب در میان
روز که هوا اندکی کرم باشد بمالند

واسب را سه چهار رجل بردوشش
اندازند و شخصی سوار شده بکردانند
که اسب کرم شود و روغن جزم سینه
اسب کرد دورگ و پی اسب نرم شود
بعد از آن رجل را یکی یکی از دوش اسب
بگیرند که یکمرتبه گرفتن خوب نیست
دیگر شرط است که روغن را از سر
دوش و سینه و از بن گوش بمالند تا
میان هر دو دستها بعد از انکه حوا هند

بشویند

بشویند با آب گرم بشویند دیگر هر مرتبه
که اراده مالیدن کنند باید قبل از ان اسب را
بمیان آب عمیقی انداخته شنا دهند که بسیار
سود دارد بعد از آن خشک کرده
روغن بمالند و سینه و بغل اسب را هنگام
روغن از قرار واقع بمالند که روغن
بضرب دست و قوت آدمی جز سینه
اسب گردد بهتر است و صورت مرهم
مذکور مفصلا در ذیل قلمی میشود

باخواص دواها که جهة مرهم ساختن
مناصب فرموده اند این است

بسم الله الرحمن الرحیم

زرد چوبه هو چوبه

حلم مومیائی دارد و خواص بسیار دارد
و احتیاج بوصف ندارد از برای
اکثر آزار اسب دوای خوبیست
خصوصا از برای مرهم سینهٔ اسب
سینه گرفته

قدری اضافه بر دواها
دیگر داخل کنند که بسیار
بسیار سود دارد و دوای
مبارکیست و از برای
این قسم آزارها مومیائیست

سیاه دانه

چه مقدار اضافه بشود بهتر است بشرطی که خوب بسلایه کنند

و داخل

و داخل دواها نمایند و بسیار دوای سود مندیست خصوص
در سینهٔ اسب بسیار سود میدهد و فایده زیاد دارد
اگر تنها با روغن دنبه بمالند

سرکه سیرکه

با سرکه کهنه خیلی خواص دارد داخل اما بشرطی
که حاجت نمایند و اضافه داخل نمایند طریقه
داخل کردن آنکه با سرکه کوبیده نرم کرده با آب و غیره با تمام داخل نمایند

صابون

قدری اضافه بشود بهتر است و نفع زیادی دارد و دواها را در
هنگام جوشیدن اقرار واقع ممزوج یکدیگر می سازند و در سینهٔ اسب

زود جزم میکردانند ورک سخطر را باعث انجبارش
میشود که زود نرم کردد و دواها را جزم سازد

زفسره

دوای مبارکیست و اکثر مردم شکسته بند بهمین
علاج شکسته می نمایند و خواص بسیار دارد و نفع آن
مشخص است که کود ربادی دارد قدری باید اضافه از
دواهای دیگر کوبیده داخل نمایند و کم نباشد چه مقدار
بسیار شود آن هم بد نشود

حنا

حنا از برای اکثر کوفتهای اسب خوبست خصوص از برای
مرهمی که مراد نرمی و رفع حرارت باشد هر گاه بچند یوم دو
مرتبه بسینهٔ اسب دوغاب کرده بمالند و بکلوش ریزند
نفع دارد خصوص در میان اینها هم و این دواها قدری

اضافه

اضافه باشد خوبست تخم مرغ چه مقدار
اضافه است بهتر هر گاه تنها بسینهٔ اسب گرفته مکرر
بمالند و بکلوش اندازند نفع زیادی دارد خصوص
در میان این دواها غرض که از برای اکثر زخمهای اسب
و ورم دست و پای اسب اگر بطریق مقرر عمل نمایند مبارکیست

گل چوبکر

چه مقدار باشد خوبست
اگر گل نباشد خورده آن یعنی خورده چوب آن یا اگر
بوره آن باید کوبید و داخل نمود مغز گردو
چند عدد اندیا نرم کرده هنگام جوشانیدن دواها داخل
سازند که مفید است

پسته شوید حلوائی سلایه کرده داخل
نمایند که خواص زیادی دارد و باعث پایا که موی بدن است
کاغذ کبود چه مقدار اضافه باشد بهتر است
و مرهم سینه اسب لرکنه حکم مرهمی دارد که بسیار مرهم
مشهور است چه مقدار نرم و خواص دارد نیز بدستور
خرنوب قدری کوبیده داخل دواها نمایند که سود
زیاد دارد و از برای دوام دواست اگر از برای مالیدن است
اگر برای شستن صبر روغن هر قدر باشد پانزده مثقال
و بیست مثقال کافیست و نفع زیادی دارد و خواص آن
در اینمرهم بسیار است و اینده واهای خوبیست از برای

اکثر

اکثر ریشها و زخمها و آزارها سود دارد چون بوبیا
ده پانزده عدد ساییده داخل نمایند که بسیار سود دارد
اگر مقدور نباشد مختارند نهایت بسیار خواص دارد در اینمرهم
روناس بسیار بسیار سود دارد قدری زیاد باشد
بدنیست باید سلایه کرد چوب شسته شده
هر قدر باشد خولبت نرم کرده داخل نمایید کمتر از سی مثقال
بی نفع خواهد بود تا واضح باشد نمک بلور باشد
بقدر چهل مثقال بس است اگر نباشد نمک طعام لاعلاج خوبست
بومکوسه بقدر سی مثقال کوبیده داخل کنند

که بسیار نفع دارد هر گاه بعض از اعضای اسب مثل بند دست و بند [illegible]
اسب یا پا ورم داشته باشد آن را کوبیده هر چند مرتبه ببندد
مومکافوری چه مقدار اضافه باشد بهتر است
و بهتر از موم زرد است و خواص بسیار دارد و نرم است
سرگین گوسفند بقدر پنجاه شصت مثقال نرم کرده
داخل نمایند که نفع زیادی دارد اگر تنها با آب گرم جوشانیده چند
نوبت بمالند سود دارد بشرطی که اندکی کاه پوسیده داخل نمایند
غرض از برای اسب سینه گرفته دوای خوبیست زاج سفید
خواص زیادی دارد خیلکی نرم کرده داخل نمایند

بول

بول اطفالی که پسر باشد دو سه فنجان داخل
کنند که بسیار خوبست اگر شخص اسب سینه گرفته را دو
نوبت بر گوشش بول نماید آن سود زیادی دارد موم زرد
ده پانزده مثقال کافیست گل شست برگ
بقدر هفتاد مثقال باشد کوبیده با آب آن داخل نمایند که بسیار سود دارد
روغن دنبه از قبیل کباب دنبه را ریزه کرده بر سیخ
چوب گز کشند و بروی آتش و داو یا نگاه دارند هرگاه آب شده
داخل دواها شود با تمام برشته آن را هم داخل کنند دیگر تنها
الکر یا سیاه دانه و بهو جوبه الکر بر سینه اسب گرفته زنند سود
دارد خصوص در میان این دواها پیه کاو اگر

اگر تنها سینهٔ اسب مالند نفع دارد خصوص در میان داروهای
مناصب که بسیار مناسب باشد چنانچه دو سه نوبت بر اسب
خوارش دار هم مالند سود دارد و خواص بزرگی و خنکی بسیار
دارد و از برای خوارش هم خوبست **پیه بز**
خواص پیه بز در اکثر مرهم مشخص است که چه مقدار خوبست چه قدر
اگر اضافه نیز در این مرهم داخل نمایند خوبست و در خواص
مثل پیه گاو است و سود دارد **پیاز**
از برای جرب گردن و سینه اسب است تنها آن را اگر بکوبد و
بریزند سود دارد خصوص در میان داروهای مناصب و مبارک
سولنجان مصری ده مثقال بلایه کرده داخل
نمایند

نمایند خوبست و نفع زیادی دارد و از برای رفع باد هم
که در سر بند باشد خوبست خصوص در میان این دواها
نفط سیاه تنها اگر به محل سینه اسب گرفته
مالند سود دارد علی الخصوص در میان دواها بسیار مبارک است
با قدر باشد **نفط سفید** در مزاج اسب حلم و مومیائی دارد
اگر آدم صاحب وقوف باشد که شانهٔ اسب را سوراخ کرده
بریزد بدنیست خصوص در میان دواها باشد خواص بسیار دارد
چه مقدار اضافه است بهتر است **آرد باقلا**
در میان این دواها خواص زیادی دارد و تنها اگر [illegible] با سرکه

لهذا سینهٔ اسب ملکرها بمالند نفع دارد خصوص در میان
دواها و از برای بعضی امراض اسب دواست خرچنگ
بنیرک هر قدر داخل نمایند خوبست اگر تخمش بهم نرسد
برگ تازهٔ آن را با سرکه تند کوبیده داخل دواها نمایند
هرگاه تنها این برگ آنرا جوشانیده دو مرتبه بر سینهٔ
اسب سینه گرفته ببندند سود دارد قاسنی
از برای جمیع امراض و ناسورها خوبست و در میان
اینها هم بسیار نافع است چه مقدار توانند داخل نمایند
شرط است که کمتر از بیست و پنج مثقال نباشد

زنجبیل

زنجبیل خواص زیاد دارد هر دمی نماید در میان
دوا بقدر ده مثقال داخل نمایند فاما از قرار واقع
سلایه کرده داخل کنند اسفند تازه کوبیده
داخل دواها نمایند بسیار بسیار سود دارد هرگاه تازه یافت
نشود تخم آن هم خوبست دوا هر قدر باشد تخم مذکورا
بقدر بیست و پنج مثقال کوبیده داخل نمایند که خواص
بسیار دارد دوا از برای اکثر امراض اسب دوا است و دوای
مبارکیست اگر اسبی خارش داشته باشد تازه آنرا
کوبیده داخل ماست نمایند که ترش شود بعد از آن بمالند

خارش برطرف می‌سازد دیگر خواص‌ها دارد و از برای سینه
بسیار خوب است کاه کهنه بقدر پنجاه مثقال مفید است
کوبیده نرم کرده جوش دهد داخل نمایند که این همه
علاج همان موضع را داغ کند چنانکه بعصب نرسد
و پوست نه ترکد و طریق داغ کردن آنست که اول قدری
قطران بمالد و آلت داغ را بالای قطران بگذارد آن قدر
زمانی که قطران بجوشد بعد از آن پیه خوک و روغن با نمک
آمیخته چند روز بر روی داغ بندد و هر روز با آب سرد بشوید
چه اکثر اوقات ابتدا داغ را بشکل پنجه فاری داغ میکنند

۱۶

از آنجهه

از آنجهه ترکان فاضی داغ میکنند و اگر این کوفت را
در اوایل علاج نکنند آن ماده روز بروز سخت میشود
تا آن زمان که شبیه باستخوان میشود و اسب را میلنگاند
علاجش آنست که آن موضع را بشکافد چنانکه آزاری
بعصب نرسد و آن ماده را از میان عصب و غضروفگان بیرون
آورند و آن شکاف را به نمک پر کرده کرباسی سخت بر بندند
و بعد از سبری که سینه و لاغش را داغ کرده باشند از این کوفت
ایمن می‌باشد از آنجهة که راه ماده بسبب داغ مسدود شده
علاج ورم دست و پای اسب اگر دست و پای

۱۹

اسب از ایستادن ورم کرده باشد پاشنهٔ پا یعنی عصب

و خود کان خون بگیرند و سبوس را با شیر جوشانیده

و بستن نافع است علاج لنگیدن اسب از ۱۰۱:

عرق النسا اگر باعث لنگیدن اسب عرق النسا باشد

آن رگیست در اندرون ران که در اسبان لاغر ظاهر میشود

آن رگ مخفی میشود و موضعش جای شکاف میان دو کوشت

بهم پیوسته است می ماند علامت آن که هر گاه دست بران

رگ گذارند بیتاب میشود و جای آن رگ که محاذی آن

رگ باشد و ما بین بقدر دو انگشت بعد داغ کنند

وازان

وازان دو موضع خون بگیرند بقدر یک رطل آنگاه

بالکر با پس محکم به بندند یا خون با بستن علاج ۱۰۱۱:

آب آوردن اسب اگر سم اسب آب آورده باشد

علامتش آنست که از درد نتواند بر زمین گذاشت

و چون دست بر آنجا گذارند گرمی محسوس میشود و این

اکثر از بستن در جای نمناک حاصل میشود علاج

آنست که نعل را باز کنند و سر کتند بر زنند و آن

تراشند تا وقتی که چرک آید پس سیر را کوفته با سبوس

آرد جو با روغن بجوشانند و گرم بر سم چهار مرتبه بر اصل

بندند و در تحسین نیز کمال منفعت دارد باب
١١٢: نهم در معالجات متفرقه اگر در بدن اسب آب
نشیند بهم رسد شب یمانی را سوده با روغن زیت
آمیخته بمالند و در آفتاب بدارند آنقدر که عرق کند
آنگاه با آب گرم بشویند علاج کوتاه شدن
و کنده شدن دم اسب اگر بعضی از تارهای موی دم اسب کنده و
کوتاه شود چون بکشند بیخش سفید باشد علاجش
آنست که بعد از کشیدن صبر و نمک و زهره گاو با روغن
زیت آمیخته بر موضعش بمالند علاج سم اسب

اگر سم

١١٣: اگر سم اسب کوچک باشد اگر خواهند که بزرگ شود
لعاب ریشه خطمی را جوشانیده بمالند و سیر را کوفته
با پیه گداخته یک شبانه روز ببندند و یکهفته هر روز
دنبه و قطران گرم بمالند بر روی سرگین خشک داشته
١١٤: حرکت نفرمایند علاج ذکر اگر ذکر اسب از موضع
خود بیرون آمده آویخته باشد با نمک و سرکه مکرر بشویند
١١٥: و روغن گاو بمالند علاج مادیانی که آبستن نشود
علاج کشیدن مادیان اکثر مادیان هستند که
آبستن نمیشوند باید که انگشت باندرون فرجش

کرده ملاحظه نمایند اگر گوشت پاره بر دو طرف آن راست

وجب بوده باشد آنها را به بردن آنگاه دست را چرب کرده

باندرون فرستد چنانکه تا بچه‌دان برسد و هر کس فتقی

که در آنجا بوده باشد بیرون آورد و مکرر آب بر آن موضع ریزد

و آن موضع اندرون را بشوید تا وقتی که هیچ باقی نماند

پس کیسه کوچک را بر گوشه آن رشته نصب نمایند و آن

کیسه را پر از پشم کنند و باید آن کیسه آن مقدار باشد

که بعد از آغشتن پشم بقدر لیموئی شود آنگاه مشک کافور

اجزا برابر

زعفران فلفل عسل گلاب همگی را ممزوج یکدیگر

یکرنگ [illegible]

ساخته و آن کیسه را در آن شربت بخیسانند چنانکه

هر قدر ممکن باشد جذب نماید پس در میان بچه‌دان اسب

بگذارند و سر رشته را بر دم اسب یا جای دیگر محکم ببندند

که باندرون کشیده نشود و بعد از آن که آن کیسه از

سر شب تا صباح یا از صبح تا شام در آنجا بوده باشد

اسب نر را حاضر سازد آنگاه سر رشته را بدست گیرند

و آن کیسه را بقوت و سرعت تمام بیرون آورند و همان

ساعت اسب نر را بکشند این عمل باعث آن میشود

که فرج مادیان را حرارت و خشکی بهم رسد و نطفه را

برغبت جذب کنند و صورت بندد و باید که آن رشته
بنوعی محکم باشد که در کشیدن لیحی گسیخته نشود علاج
نرم کردن اسبی که حشری باشد و اگر اسب نر را
شهوت غلبه کند غالب باشد و بدان سبب سرکشی و
حرکات و آرزوهای ناخوش کند عدس و سداب
و سیر را در آب بجوشانند و صاف کرده دو جو کافور اضافه
نموده با شکر بقوام آورده و آب گرم حل کنند و بحلقش
ریزند و از جمله ادویه که قطع شهوة باه میکند شاه دانه
گشنیز برگ کاسنی سرکه انار ترش شبت زیره شونیز

خرقه

خرقه بهر یک را بطریق مناسب بدهند اگر با اینها زایل نشود
خصی کنند و بهترین طریق خصی کردن است و طریق
آنست که اسب را بر زمین نرم بخوابانند و دست
و پایش محکم ببندند و سر بیضه بدست گرفته پوست
بیرونش را به تیغ بشکافند و بیضه را بیرون آورند
و بعد از آن که هر دو را بیرون آورده باشند آن موضع را
بنمک پر کنند و آهسته آهسته تا آنکه کسی سوار شود
و حرکت دهد بعد از دو ساعت که گذشته باشد باز بهمان
طریق حرکت دهند روز دیگر که خون زخم ایستاده باشد

بر ایشان علاج کنند و دو روز از آب پرهیز فرمایند و اگر

تشنگی زیاده شود کمتر از عادت بدهند و چون زخم به شود

سوار کوچک و سبک بر او نشینند و با هستگی بر او رانند بهتر

اوقات اعتدال هواست درین باب کمال احتیاط نمایند

۱۱۷: و شیخ جلیل القدر علی ابن طاوس در کتاب امان الاخطار

نقل کرده ادعیه جهة حفظ اسب و سوار از جمیع بلیات

چون بر گردن اسب ببندند بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ و اعیذ دابه فلان بن فلان المعروف

بکذا و سایر دوابه من الخیل من ادهمها

واشقرها

واشقرها وکمیتها واغرها ومحجها ومحجلها

بحینها وخصیها وحجورها من المستبش

والوهس والرعد والرعص والوهصه والا

والرضه وخفقان الفؤاد ورعدة و

غدة والصفاق والرجس وبلغ الریش

وبلغ الحشیش والخذلان ووجع الجوف

والربو فی الیبس ومن الطرفه والصدمه

والعشار والعثار والعمر والحمرة فی الاکف

ومن الجرد والبهر وسایر الاعلال فی البهایم

دفعت عيون السوء عنها في اسايرقسوتها
وبشرها ولحمها ودمها ومخها وعظمها
وجلدها وجوفها وعرقها وعصبها
وشعرها ووبرها وبطنها وظهرها
وظاهرها وباطنها بالاحاطة الكبرى
وباسماء الله الحسنى وبكلماته العظمى
من الامتناع من الاكل والشرب والتعص
والتعصص والالتواء والضربان ومن
جرح بالحديد وخز بالشوك

بالشوك

بالشوك وحرق بالنار وتجلت ومن
وقع نصال السهام ورميه ورمته
الرياح ومن الغوابر والودع ومن ضربه
موهنه ومحطمه محطمه وسقطته موجه
عسرة معرجة ووقعت مولمه اعيذ راكبه
راكبه مما استعاذ به جبرئيل وبما عوذ
به النبي صلى الله عليه وآله البراق وبما
عوذ به فرسه السحاب وبما عوذ به علي
عليه السلام فرسه لزاز وبما عوذ به

شمعون الصفار فرسه الطماج وبما عوذ
به موسى الكليم فرا الذصيره في اشتره البحر
عوذت هذه الدابه وصاحبها وموضعها ومرعاها وساير ما له من الكراع
الراتع من البهايمه والسامه والعين
اللامه ومن ساير السباع والهوام ومن
كل اذيه وبليه من الشهور والدهور
والرده والغرق والحرق والوبا ومدارك
الشفا بالعقد والعظمه والاسما الا

لوهية

لوهيه العليه من الجن والانس بسم الله
الرحمن الرحيم رب العالمين بسم الله
عالم السر واخفى بسم الله الاعلى وباسما
الله الكبرى في سرادق علم الله وفي مواة
حجت ملكوت الله الذي يحيى به الا
وبها رفعت السموات وباسماء الله التي
اضاءت بها الشمس وارتفع به العرش
من ساير ما ذكرت وما لم اذكر وما علمت
وما لم اعلم ورفعت عنها ساير العيون

النظره والعادیه والخواطر الخاطره

والصدور الواغرة بلا حول ولا قوة الا

بالله العلي العظیم دعاي دیگر از کتاب مذکور

نوشته بر گردن اسب ببندند دعا اینست

١١٨:

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم

احفظ علي ما لو حفظه غیرك لصبغ

واستر علي ما لو ستره غیرك لشاع

واحمل عني ما لو حمله غیرك لكان واجعل

علي عني ظلا ظليلا اتوقى به كل من رامني

بسوء

بسوء او نصب لي مكرا او هم بي مكروها حتى

نعوذ وهو غيظا قربي والاقادر على اللهم

احفظني مما حفظت به كتابك المنزل على

قلب نبيك المرسل اللهم انك قلت وقولك

الحق انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

١١٩:

دعاي ديگر بنويسيد و بر گردن اسب ببندند

وقتي كه آفتاب بدرجه شرف باشد

و قمر ناظر باشد ١٣٩٩٩١ الى ٢١٨٩١٣

١٢٠:

دعاي اسب نو صحيح ابو درا ده الوا ما الوسط

نوی بجانواسع انوجح احلج الحا اما اما حا

الواسع اوحالواکه اراده انه انه اه ا

عسعی سل

سع اسعی الواحد الواطنه الوانه الوا

فظا

دالواساه مالاقتاه ربع اه فالله خیر حا

وهوارحم الراحمین وصلی الله علی خیر

خلقه محمد واله اجمعین هیکل اسب

۱۲۱: الرکبوا اسب بند کردد یا حبس البول بهم رسد انید عالا

بر دو پاره کاغذ بنویسد یکی را با آب بخوردش دهد

ویکی دیگر را بر کردن بیاویزد این است بسم الله

ففتحنا

ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا

الارض عیونا سو سو سو مسلوک

ههه لا لا هی هی هی سه لا حول

ولا قوة الا بالله العلی العظیم تعویذ دیگر

۱۲۲: از حضرت امیر المومنین علیه السلام برای بر کردن اسب

دلدل بسته و بهر که انید عالا بر کردن اسب بند داز (?)

بر علتی که اسب را میرسد واز چشم زخم محفوظ باشد

الله الله الله یا الله علی مسبب بحق

محمد واله اجمعین ۹۹۸۵۳۸۹

تعویذ اسب بجهت جمیع امراض بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله وبالله والله اکبر رب
الملائکه والروح ورب العرش العظیم
ورب الانبیاء والمرسلین اللهم احفظ
هذا الدابه من الشر البلاء والحتام
والناخنه والطلو والسموم والعروق
والعصب والعظام والجراب بحق محمد
واله اجمعین لایه للعالمین بجهت
۱۲۳: بندشدن بول اسب این اشکال بر زمین نویسید
واسب را

واسب را بر بالای آن کنند

ه	م	س
و	و	د
ه	ط	س

۱۲۴: بجهت بندشدن آب اسب این اسم
بر بالای پای اسب بنویسید که لوفتها مفید است
۱۲۵: اهکلته مهکلته تعویذ اسب این است
اللهم بهیکل العاصم وبنور ابو القاسم
احفظنی قریبک من جمیع الافات
والعاهات والبلیات برحمتک
یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
۱۲۶: محمد واله اجمعین افسون اسب

فرا کیر موی دنبال اسب و انحروف هفت بار

بران بخوان و بدست و پای اسب در بندیما اندم آب

انداز دو بنیلو کسوه الماء بالماء و الماء فوق الماء

بان الماء اسکن یا ماء اذا السماء انشقت

واذنت لربها وحقت واذا الارض

مدت والقت ما فیها وتخلت

۱۲۷: چون خواهد که هیچ اسب از و سبو نه برد پاره پوست

شتر در کردن اسب بندد که با اسبی با او براند

۱۲۸: بار بتاز دیرون رود در سیاه کردن

موضع

موضع است آهک زنکار مردار سنک

قدری بدستور بدستور

مازو زاج همکی را برابر بوزن بکوبند و در

بدستور بدستور

ستور بهر موضع که خواهند بمالند در حال سیاه شود

۱۲۹: ایضا چه سیاه نمودن مازو مردار سنک

زنکار کل ارمنی آهک همه را برابر کرده بکوبند

وبهر موضع اسب که خواهند بمالند که سیاه کردد

۱۳۰: در سفید کردن اسب سام ابرص

اله کلند بهر بار — اله کلند بهر بار

شحم ضفدع بری — شحم خنزیر

پیه وزغ بهر بار — پیه خوک بهر بار

بعلکو بکر بیامیزند بهر موضع اسب که خواهند بمالند

۱۳۱: فی الحال سفید کردد قسم دیگر بجهت سفید
کردن موضع اسب آهك کل خرد
کوفته و پخته با آب سرشند و نیکو بسوزانند
با قوة ادویه با آب آید انگاه باسب طلا کنند
تا یکشبانه روز بگذارند اگر سرخ یا زرد

۱۳۲: یا سفید باشد برنگ سیاه کردد طریق سفید
کردن موضع اسب و غیره بگیر قسط
بری قسط بحری بکر ریزه قط در شیر ترش کند
تلخ است شیرین است

تا بچهار

سرخ کردن نعم را با آب ملح القلی پخته ضماد نماینده وجهت کبود کردن
نیل را کمتر از نعم کنند وجهت سفید کردن بروغن ورق
تذهیب نمایند وآن رو بصفات موی مذکور مثل حیله و اکتحال
عسل بلادر موروث بیاض چشم حیوانات است و اکتحال
بالغ مجرب
حرق رافع آن و از اسرار است فی المجربات سعوط
الاذن
آب لودنه در دماغ شتر رافع مستی او و مجربست

تم

[illegible] ربیع الثانی [illegible]
[illegible] ۱۱۶[illegible]
[illegible]

باب از برای قولنج جوان اگر تپلاق بادیان رومی
بادیان رسمی از هر یک سه مثقال خطمی پنج مثقال با صابون
و آب گرم حقنه کند و قسط تلخ را با روغن بدهد تا بخورد
بسراجر اول به بول شتر یا گاو زرد بشوید بعد از آن
زنگار و زرنیخ و حنا و قلیاب و کافور و مرگ موش
از هر یک دو مثقال روغن زرد پانزده مثقال پس دانه
اول را ببیند کدام است تا هر جا که رفته است از آخر آن رگ
سر با نیش مالیده تا سر دانه ان شاء الله تعالی شفا یابد

دعای سراجه روز چهارشنبه وقت غروب بر بسید
در ریسمان خام بچد و بیال اسب نزدیک گوش طرف راست
ببندد و یک مرتبه سوره فاتحة الکتاب و ده مرتبه سوره اخلاص و
یک مرتبه آیة الکرسی بخواند روز پنجشنبه ایضا وقت غروب آیات را
بخواند تا چهارشنبه آینده پس چون روز چهارشنبه شود دعا را
با آب جاری دهد و دعای دیگر بنویسد یعنی همین دعا را و به بندد
تا چهار چهارشنبه لی هم این عمل بجا آورده شود و تصدق بدهد
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ما قطعتم من لینة
ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها

فباذن الله ولیخزی الفاسقین ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر اسبی در تاختن بکسلد علامتش آنست که شکمش اماس کرد

و با بهار زان باشد ار دم می افتد و بر میخیزد و نه بول کند و نه سرگین

رطل بول و شغال

و نفس سرد میزند علاج او آنست که یک رطل بول کودکان

و نیمی پیاز بهم بجوشانند و با قدری تخم رازیانه نیم کوفته و

روغن شیرج جمله در گلویش ریزند و بر نشینند و نرم نرم میرانند

یا بر دست میکشند و میان دو ران رگ بزنند اگر پاره نمک

در نیم رطل آب بگذارند و صاف کنند و بر آن حقنه کنند نافع باشد

رطوبات تراوش کند و با خارش باشد علاج

اوی

تضمید اوست بصابون و سرکه و سدر و بدستور

خردل با بابات نافع است و سیماب و زاج و خاکستر چوب تاک با سرکه

در وغن گل از مجربات است از حقیر است حکه

علاج خارش مثل جرب و شیرینج است و در ادویه او

شراب و سرکه سریع التاثیر است و هر گاه بسبب خارش

ریختن دم حادث گردد گنجد را بشویند و یک هفته همین

عمل کنند برص که بترکی الاگویند حقیر آنچه تجربه

نموده ضماد یست که در باب اطلیه برص مذکور است

طلا ۱۲۱

باید موضع را بآب شبهان شست و ضماد نمودن و چون پوست بیفکند

واثری باقی ماند تکرار نمایند والا فلا

کوکب

علتیست که بسبب اکل مفرط مراد فاسده در کتف جمع گردد و بروز کند علاج تضمید اوست بقشره و سرگین کبوتر باروغنها و بعد از آن شکافتن و معالجه جراحت کردن وادویه جراحات

قمز را / مو خوردن ام گویند / باز زدین ام گویند

در باب مراهم مذکور است و احتیاج بتکرار نیست

امراض مفاصل

علامتش ضعف حرکت عضو مخصوص است و چون دست بر آن مفصل گذاشته بفشارند معلوم گردد علاج فصد قوائم و تضمید بزنجبیل و نفط و سیر و سرکه وادویه محلله است وداغ مفصل معلوم

خانه ١	خانه ٢	خانه ٣	خانه ٤	خانه ٥	خانه ٦
١	٣	٦	١٠	١٥	٢١

خانه ٧	خانه ٨	خانه ٩	خانه ١٠	خانه ١١
٢٨	٣٦	٤٥	٥٥	٦٦

خانه ١٢	خانه ١٣	خانه ١٤	خانه ١٥	خانه ١٦
٧٨	٩١	١٠٥	١٢٠	١٣٦

طرح

خانه ٦	خانه ٧	خانه ٨	خانه ٩	خانه ١٠	خانه ١١
٥	١٢	٤	١٣	٧	٢٠

خانه ١٢	خانه ١٣	خانه ١٤	خانه ١٥	خانه ١٦
١٤	١١	١٥	٨	١٤

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤

خون بینی را آزموده است بگیر خطمی و صبر و خاکستر نی پارسی

وآنرا بسرکه ترش تر کند و بر سر ستور طلا کند و آب نطرون آمیخته بوره ارمنی

یعنی بوره ارمنی

آمیخته با آب سرد سعوط کند نافع بود ان شاء الله تعالی

دعای سر آمده باید نوشته در میان کاکل است پنهان کند

فرعون لی عون شداد داد لی داد

اذا جادت الدنیا علیک فجد بها اذا ما ذا

ل صدرک من بلاد و خفت علیک

قوم من اذا فدار مثل وادن هم تجد

لم تجد عوز سواها سرجه طی بس باذن

الله تعالی سبعة ایاما

شکوار دجور را بالسویه با آب ممزوج کرده بدهند و بعد از لحظه

اندک بگردانند و یکبار دیگر از آن داده ساعتی حرکت بفرموده

پس در نهر آب دستها و پاها را با دم و مقعد و زهار و دهان بشویند

پس خشک کرده بروغن گاو و نمک و شراب زانوها را با بسم

تطلیه نمایند و اگر ماند که از دویدن بسیار باشد سینه اش را

علاج

بپوشانند و بچهل و پنج مثقال روغن کنجد یا روغن تازه حقنه

نمایند و یکبار دیگر با آب سرد حقنه کنند تشنج علامتش غش و تنگی نفس

و فرو رفتن اضلاع است علاج داغ تهیگاه است که هر طرف را

داغ مثلث کنند و یکی زیر ناف دهند علتی است که با کثرت تشنگی

وبی آرامی و نفس بسیار زدن و اضطراب حرکات علاج

تدبیر بماء الشعیر و تعلیف بکدوی تازه و هندوانه و دوغ آب

یعنی بعوض علف کدوی تازه

یعنی بعوض آب آدهو را با آن بدهند

و فصد عروق و حشیشات و تضمید جراده کدو و خیار و امثال آن

و یخ بسیار دادن و سعوط کردن بکافور و آب گشنیز و سرکه

و حقنه با شیر تازه و آب دلمه کنند مغیر الالوان چون بهائم را

خواهند که تغیر در رنگ موی او شود باید خاکستر پخته را با آب خمیر

کرده و بقوت تمام مالیدن تا حرکت زایل شود و با آب گرم

بشویند پس بعد از آن موضع را بشویند با شب یمانی بقوت

تمام بمالند و جهة سیاه کردن بغم را با آب نیل پخته بمالند سیاه گردد

تم

وارد شدن ... به اداره

بتاریخ ۱۱ جمادی الاول به اداره تجدید خدمت کردیم

۱۳۳۶ قمری

۱۲۸۶ شمسی

۱۳۹۰

۱۳۲۶

۶۴







